



## روز جهانی پیرو:

### دختران نوجوان در افغانستان نخستین دوره قاعده‌گه را چگونه سپری می‌کنند؟



پیرو یا قاعده‌گی، چرخه طبیعی ماهانه است که حدود ۸۰۰ میلیون زن روزانه با آن مواجه‌اند. این فرایند طبیعی اما در افغانستان به دلیل سانسور جسم زن، نگاه مسلط مردسالارانه و رواج‌های نادرست در جامعه، تابو پنداشته می‌شود. شرم‌انگاری قاعده‌گی، سبب شده که حرف زدن در مورد آن نیز شرم و بی‌ادبی تلقی شود. برای بسیاری از مردان قاعده‌گی مثل یک معما و...



## اختلاف میان نهادهای سازمان ملل؛

# ارایه کمک‌های بشری در افغانستان با دشواری روبه‌رو است

## افغانستان، لانه تروریسم



## چهارمین نشست مشترک اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی در مورد افغانستان پایان یافت

۸ صبح، کابل: چهارمین نشست مشترک اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای میانه در مورد افغانستان که به روزهای ۲۵ و ۲۶ ماه جاری میلادی در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان برگزار شده بود، پایان یافت. در بیانیه مشترک پایانی این نشست که ناوقت روز جمعه، ۵ جوزا، نشر شده از طالبان خواسته شده که محدودیت‌های وضع شده بر زنان از جمله ممنوعیت‌های آموزشی، کاری، تحصیلی و حضور آنان در اجتماع را هرچه زودتر لغو کنند.



## عدم دسترسی به خدمات صحتی؛

«کلینیک‌های ارچی کندز  
حتا زخم‌های عادی را  
درمان نمی‌توانند»



## ابهام در موضع ترکیه در برابر طالبان

سفارت ترکیه در کابل باز است و سفیر این کشور هر از گاهی با مقام‌های طالبان دیدار می‌کند...



## آمر جنگلات طالبان در ولسوالی قیصار فاریاب کشته شد

۸ صبح، فاریاب: منابع محلی در ولایت فاریاب می‌گویند که آمر جنگلات طالبان در ولسوالی قیصار این ولایت، توسط افراد ناشناس کشته شده است. منابع محلی روز شنبه، ۶ جوزا، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این فرد غلام رسول نام داشت و جسدش روز گذشته در روستای خواجه‌کنتی ولسوالی قیصار پیدا شده است.

مقام‌های امنیتی طالبان در فاریاب با تایید این خبر می‌گویند که تا کنون انگیزه قتل روشن نیست، اما تحقیقات آنان برای شناسایی عاملان قتل آغاز شده است. این در حالی است که هفته گذشته آمر جنایی گروه طالبان برای فرماندهی امنیه ولسوالی حضرت سلطان سمنگان توسط افراد مسلح ناشناس به قتل رسیده بود.

## کنایه مسعود به ایران: نگفتمت مرو آن جا که آشنات منم؟



۸ صبح، کابل: به دنبال افزایش تنش‌ها و درگیری‌های مرزی میان طالبان و ایران، احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان بدون اشاره به این کش‌وقوس‌ها، شعری از مولانا را توییت کرده است. او شنبه شب، ۲۷ می، در توییتی نگاشته است: «نگفتمت مرو آنجا که آشنات منم؟» هر چند مسعود به گونه مشخص از تنش‌های اخیر میان طالبان و ایران در این توییت نام نبرده است؛ اما کاربران رسانه‌های اجتماعی آن را کنایه‌ای به درگیری‌های مرزی عنوان می‌کنند. گفتنی است که پس از چند روز تنش لفظی میان مقام‌های طالبان و ایران بر سر آب، چاشت روز شنبه، ۶ جوزا، کار به درگیری نظامی و تبادل آتش در مرز دو کشور کشید. بر بنیاد گزارش‌های نشرده، در این درگیری دو طرف از سلاح‌های سبک و سنگین استفاده کردند که به گفته مقام‌های طالبان و تهران، یک عضو طالبان و یک مرزبان ایرانی کشته شدند. پیش از این، شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان که متشکل از رهبران برجسته سیاسی و جهادی است، تحویل‌دهی سفارت افغانستان در تهران به طالبان را «خلاف عرف دیپلماتیک و در تضاد با منافع ملی کشور» عنوان کرده بودند.





## درگیری‌های مرزی طالبان و دلاک‌های آن

از چند روز به این سو طالبان می‌کوشند با استفاده از مشاخره به میان آمده بر سر موضوع حقایه هیرمند، از یک سوا احساسات ملی بخشی از شهروندان افغانستان را به سود خود برانگیزند و از سویی به شماری از کشورهای غربی پیام بدهند که می‌توان از افغانستان برای جنگ‌های نیابتی با ایران استفاده کرد. این تنش‌ها، به‌ویژه هنگامی که به درگیری گرم میان مرزبانان دو کشور برسد، زنگ‌های خطر را به صدا درمی‌آورد و بیشترین زبان آن متوجه مردم دو کشور می‌شود، به‌ویژه مردم افغانستان که در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار دارند. در کوتاه‌مدت شرایط میلیون‌ها مهاجر افغان که در اثر جنگ طالبان و شرایط پس از حاکمیت این گروه ناچار به ترک کشور شده‌اند، دشوارتر خواهد شد و در بلندمدت دو کشور همسایه که به هر روی نیازمندی‌های متقابل دارند، در وضعی مخاصمت‌آمیز قرار خواهند گرفت که به سود بدخواهان این منطقه تمام خواهد شد.

رویکرد طالبان در قضایای منطقه‌ای می‌تواند ماهیت پیچیده و بحران‌ساز این گروه را بیشتر آشکار سازد. تمام دنیا می‌داند که طالبان در طول بیست سال دوران جمهوری، حیات و دوام خود را مدیون استخبارات منطقه بود و در این زمینه در درجه نخست استخبارات پاکستان و در درجه دوم سپاه پاسداران ایران نقش بسیار مهم و برجسته‌ای داشت. در واقع حمایت دوام‌دار از این گروه با فراهم آوردن پناهگاه‌های امن، آموزش جنگ‌جویان و تأمین تجهیزات جنگی، به اضافه تغذیه استخباراتی و کمک‌های اطلاعاتی، یک گروه شورشی تروریست را به سطح یک بازیگر جدی منطقه‌ای ارتقا داد. در ادامه این وضعیت بود که قدرت‌های بزرگ‌تر علاقه‌مند شدند که با آن وارد تعامل شوند و دعوت نماینده‌گان آن به مسکو و سپس توافق‌نامه دوحه به دنبال آن آمد. بنابراین، گروه طالبان وجود و حیاتش را وام‌دار حمایت‌ها و مساعدت‌های گوناگون منطقه‌ای و جهانی بوده و تا هنوز با پول‌ها و حمایت‌هایی که دریافت می‌کند، به حیات خود ادامه می‌دهد.

آن‌چه در این میان باید درباره این گروه در نظر گرفته شود، این است که یک گروه با پیشینه تروریستی تا تبدیل شدن به دولتی متعارف و مسوولیت‌پذیر مسافتی دور و دراز در پیش دارد و حامیان آن نمی‌توانند سرشت چنین گروهی را به این آسانی عوض کنند. گروهی که همه هویت خود را از خشونت، کشتار، ترور و انتحار می‌گیرد و با همه گروه‌های افراطی و تروریستی دنیا به جز داعش رابطه برادرانه دارد، نمی‌تواند طرف قابل اعتماد در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.

این گروه فرزندخوانده دایمی استخبارات پاکستان بوده است، اما از گروه‌تی‌تی‌پی حمایت می‌کند و گاه به آن سوی مرز نیرو می‌فرستد. همچنان، با چین بهترین روابط را دارد، اما جنگ‌جویان ترکستان شرقی را در افغانستان پناه داده و برایش حمایت‌های لوجستیکی فراهم می‌کند. با کشورهای آسیایه میانه تظاهر به دوستی می‌کند، اما میزبان گروه‌های جنگ‌جوی آن کشورها است. از نوازش سپاه پاسداران ایران همیشه سود و لذت برده، اما جنگ‌جویان افراطی مخالف دولت ایران را در آغوش گرفته است. در اثر مذاکرات امریکا در دوحه به اعتبار بین‌المللی رسید و تا اکنون سران طالبان پول‌های هنگفتی از آن دریافت می‌کنند، اما همزمان با القاعده و نیروهای ضد امریکایی پیوند ارگانیک دارد. درگیری‌های مرزی با ایران، نشان داد که چنین گروهی تنها برای بحران‌سازی در منطقه به کار می‌آید، نه برای برقراری روابط سازنده. تنها وجود یک دولت قانونی و با پشتوانه مردمی در افغانستان، می‌تواند به ثبات و امنیت منطقه کمک کند و جلو تشدید بحران‌ها در این بخش از جهان را بگیرد.

## عدم دسترسی به خدمات صحتی؛

# «کلینیک‌های ارچی کندز حتا زخم‌های عادی را درمان نمی‌توانند»

۸صبح، کندز

باشنده‌گان ولسوالی ارچی ولایت کندز از عدم دسترسی به خدمات باکیفیت صحتی شکایت دارند. به گفته آنان، نبود دارو و کارمندان صحتی باتجربه در این ولسوالی، مردم را با دشواری‌های زیادی روبه‌رو کرده است. باشنده‌گان این ولسوالی توضیح می‌دهند که مجبورند بیماران عادی و عاجل را برای درمان به مرکز ولایت کندز منتقل کنند؛ زیرا براساس ادعای آنان، داکتران کلینیک‌های دولتی حتا زخم‌های عادی را درمان کرده نمی‌توانند. آنان از وزارت صحت عامه زیر اداره طالبان می‌خواهند تا کادر صحتی باتجربه و داروی کافی به کلینیک‌های دولتی در ولسوالی ارچی فراهم کنند.

محمد اسلم، باشنده روستای باجور از مربوطات ولسوالی ارچی است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که جنگ‌های مسلحانه میان افراد طالبان و نیروهای نظامی حکومت پیشین سبب شد تا وزارت صحت عامه به مشکلات صحتی در ولایت کندز هیچ توجهی نکند. او می‌افزاید: «چند کلینیک فرعی داریم این جا و سه کلینیک مرکزی که فعال است. دیگر هیچ چیزی فعال نیست. گاهی وقت‌ها کارمندان این کلینیک‌ها می‌آیند و گاهی اوقات نه، در این کلینیک‌ها هم که می‌رویم گاهی دوا نیست و گاهی داکتر متخصص نیست. حتا مریض‌های نسایی و ولادی که کوچک‌ترین اختلالات داشته باشند، داکتران می‌گویند که بروید به مرکز شهر کندز به شفاخانه مرکزی.»

براساس اظهارات منابع محلی، در حال حاضر هشتاد مرکز صحتی در ولایت کندز وجود دارد که از این میان، سه مرکز صحتی در ولسوالی ارچی فعالند. ارچی از ولسوالی‌هایی است که یک ساعت‌ونیم با مرکز کندز فاصله دارد. این ولسوالی طی سال‌های گذشته گواه خونین‌ترین و مرگبارترین نبردهای مسلحانه میان نیروهای امنیتی حکومت پیشین و جنگ‌جویان گروه

طالبان بوده است.

باشنده‌گان مناطق دوردست این ولسوالی می‌گویند، اکنون که جنگ در این ولایت پایان یافته است، مردم این ولسوالی شاهد هیچ گونه تغییری در بخش‌های صحتی نیستند. حسن، باشنده روستای ارباب شریف، می‌گوید: «به مشکلات صحتی ما در کلینیک‌ها هیچ توجهی نمی‌شود. در جایی که کلینیک است امکانات زیاد نیست که مشکلات نسایی و ولادی حل شود، به مشکلات ابتدایی ما رسیده‌گی شود.» او می‌افزاید: «حداقل پنجاه درصد مشکلات صحتی ما حل شود، کلینیک صحتی ما حتا زخم‌های عادی را تداوی کرده نمی‌تواند.»

براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی وزارت صحت عامه، تا پیش از سقوط نظام جمهوری حدود ۳ هزار و ۵۰۰ شفاخانه و مرکز صحتی در سراسر افغانستان فعال بودند. بربنیاد معلومات وزارت صحت عامه، ۹۰ درصد شهروندان کشور با طی کردن حدود دو ساعت فاصله به مراکز صحتی دسترسی پیدا می‌کنند. در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از باشنده‌گان ولایت کندز با طی کردن حدود نود دقیقه می‌توانند به مراکز صحتی دسترسی حاصل کنند.

به گفته منابع، علاوه بر ولسوالی ارچی، ولسوالی‌های چهاردره، قلعه‌زال، خان‌آباد و آفتاش ولایت کندز نیز با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند. از این میان، بیشتر باشنده‌گان ولسوالی‌های آفتاش و خان‌آباد کندز، بیماران خود را به دلیل نزدیکی راه به شفاخانه مرکزی ولایت تخار برای درمان منتقل می‌کنند. منابع می‌افزایند که در برخی از مواقع فاصله راه سبب می‌شود تا بیماران عاجل به‌ویژه بیماران ولادی و نسایی تارسیدن به مرکز شهر کندز در راه جان دهند.

باشنده‌گان ولایت کندز از وزارت صحت عامه زیر اداره طالبان می‌خواهند تا به مشکلات صحتی آنان رسیده‌گی کند. هرچند طالبان نیز مشکلات صحتی و عدم دسترسی باشنده‌گان ولسوالی‌های کندز به

## باج‌گیری با پارچه‌های رسمی؛

# راننده‌گان موترهای لینی از اخاذی طالبان شکایت دارند

پهنیا

ندارد، خاطرنشان می‌سازد که جدا از مصارف تیل و عوارض موتر، روزانه بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ افغانی عاید خالص دارد که کفاف مخارج خانواده‌اش را نمی‌کند. با این وصف، راننده‌گان موترهای لینی مجبورند به خواسته‌های افراد طالبان تن دهند و در صورتی که پارچه نداشته باشند، حق ندارند از ایستگاه‌های عمومی سواری بردارند. اسدالله علاوه می‌کند: «وقتی که طالبان قیمت پارچه را به ۶۰ افغانی افزایش دادند، با تعدادی از راننده‌گان دیگر رفتیم و از آنان خواستیم که این مقدار پول را کم کنند، اما طالبان برای ما گفتند، کار می‌کنید که خوب و اگر نمی‌کنید هیچ برای‌تان ضرورت نیست. بروید در خانه‌های‌تان بنشینید.»

احمد، راننده موتر لینی در شهر کابل است. او اخذ پول از راننده‌گان موترهای لینی را بی‌انصافی طالبان در حق راننده‌گان توصیف می‌کند. احمد می‌گوید: «از یک طرف کار نیست و از طرف دیگر قیمتی به اوج خود رسیده. ما مجبور هستیم نصف عواید روزانه خود را به طالبان بدهیم. این خودش بی‌انصافی است.» او می‌افزاید: «در حکومت پیشین من پنج یا شش پیره هم سواری می‌بردم، ولی حالا بیشتر از دوپیره نمی‌شود.»

از سوی دیگر، طالبان کرایه مسافران موترهای لینی را نیز نظر به نوع موتر، مشخص کرده‌اند. به گفته راننده‌گان، کرایه هر مسافر در موترهای کاستر ۵ افغانی، تونس و ماریسدس ۱۰ افغانی و تکسی ۲۰ افغانی تعیین شده است. احمد در این مورد توضیح می‌دهد: «هیچ سنجش در این حکومت وجود ندارد. اگر قیمت تیل بالا و یا هم پایین شود، به ما اجازه

نمی‌دهند که کرایه موتر را تغییر بدهیم.»

راننده‌گان موترهای لینی به نقل از افراد طالبان می‌گویند که شهرداری ماهانه حدود شش میلیون افغانی از موترهای لینی گردآوری می‌کند؛ اما در مقابل هیچ خدمتی انجام نمی‌دهد. شهرداری طالبان تا کنون توضیح نداده است که ماهانه چقدر پول از این بابت گردآوری می‌شود و چگونه مصرف می‌شود. طبق درجه‌بندی طالبان، موترهای کاستر روزانه ۶۰ افغانی و موترهای ماریسدس، تونس و تاکسی‌های لینی باید روزانه ۴۰ افغانی در بدل برداشتن سواری از ایستگاه‌های عمومی بپردازند.

راننده‌گان موترهای لینی از طالبان می‌خواهند که به‌جای اخاذی از آنان، زمینه کار را برای شهروندان فراهم کنند. آنان همچنان می‌گویند که اگر درب دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و مکتب‌ها به‌روی دختران بازگشایی شود، رفت‌وآمد در شهر بیشتر می‌شود و در نتیجه، کار آنان نیز رونق می‌گیرد.

با روی کار آمدن رژیم طالبان در افغانستان، وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان دچار تغییر بنیادی شده است. بیکاری و فقر اما بیشتر از همه مردم عادی را به ستوه آورده است. گفتنی است که طالبان پیش از این نیز به بهانه‌های مختلف از کسبه‌کاران پول گردآوری کرده‌اند تا عواید خود را افزایش دهند. پیش از این، دکان‌داران در ولایت‌های مختلف کشور از افزایش چهار تا شش برابری مالیات بر عواید، شکایت کرده‌اند. همچنان کراچی‌داران گفته‌اند که شهرداری همه‌روزه از آنان پول گردآوری می‌کند.

این در حالی است که در نزدیک به دو سال از حاکمیت طالبان بر کشور، بیکاری و فقر به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است. بیشتر شهروندان نمی‌توانند نان روز و شب خود را تهیه کنند. براساس گزارش دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوجا)، حدود ۸۰ درصد از شهروندان افغانستان با معضل کاهش درآمد، ۲۰ میلیون تن با گرسنه‌گی شدید و ۶ میلیون تن دیگر با قحطی روبه‌رو هستند.



## اختلاف میان نهادهای سازمان ملل؛

# ارایه کمک‌های بشری در افغانستان با دشواری روبه‌رو است



امین کاوه

با تسلط طالبان بر قدرت سیاسی در افغانستان، شهروندان کشور با فقر و گرسنگی شدید روبه‌رو شده‌اند. با فرار سرمایه‌گذاران و نخبه‌گان عرصه‌های مختلف و کاهش کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان، بیشتر افراد مشاغل خود را از دست داده‌اند. طالبان با لغو شماری از نهادهای دولتی و اعمال محدودیت بر کار زنان، بستر فقر و ناامنی غذایی را افزایش داده‌اند. به گفته مقام‌های سازمان ملل متحد، نزدیک به نیمی از جمعیت کشور به کمک‌های بشری نیازمند هستند. سرکوب زنان توسط طالبان و دست‌برد این گروه به کمک‌های بشردوستانه، ادامه امدادسانی را برای نهادهای بین‌المللی با دشواری مواجه ساخته است. به‌تازگی شبکه خبری PBS امریکا از وجود اختلاف نظر میان نهادهای کمک‌کننده به افغانستان، پرده برداشته است. این شبکه گزارش داده که دودسته‌گی میان کشورهای کمک‌کننده و نهادهای امدادسان مبنی بر کار زنان، ارایه کمک‌های بشردوستانه را با دشواری روبه‌رو ساخته است.

طالبان حدود پنج ماه پیش کار زنان در موسسه‌های غیردولتی را منع کردند. وزارت اقتصاد طالبان در سوم جدی سال گذشته خورشیدی با ارسال مکتوبی به همه موسسه‌های داخلی و خارجی در کشور دستور داد که فعالیت کارمندان زن را تا امر ثانی متوقف بسازند. در آن مکتوب تأکید شده بود که در صورت تخطی و تعلل از دستور، جواز کار موسسه‌های متخلف لغو می‌شود. این گروه در ۱۴ حمل امسال در دستور دیگری کار زنان در نهادهای مربوط به سازمان ملل متحد در افغانستان را نیز منع کرده است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته بود که اگر به زنان اجازه کار داده نشود، این سازمان با «دل‌شکسته‌گی» افغانستان را ترک خواهد کرد. این نهاد استدلال کرده بود که میان اصول سازمان ملل متحد و کمک به مردم افغانستان، یکی را باید برگزیند. این نهاد در ۱۵ ثور سال جاری مجدداً اعلام کرد که فعالیتش را در افغانستان ادامه می‌دهد.

در همین حال، شبکه خبری PBS امریکا روز چهارشنبه، ۳ جوزا، گزارشی را زیر نام «سرکوب زنان توسط طالبان، رساندن کمک‌ها به افغانستان را سخت‌تر می‌کند» منتشر کرده است. در این گزارش گفته شده که شهروندان افغانستان با سطح شدید فقر مواجه‌اند و بسیاری از آن‌ها برای بقای خود به کمک‌های بشردوستانه وابسته‌اند. در گزارش آمده است که ممنوعیت طالبان بیشترین آسیب را به زنان وارد کرده و این قشر جامعه را از رویاهای شان عقب رانده است. مصاحبه‌کننده‌گان در این گزارش توضیح داده‌اند که زنان به دلیل زن بودن مجازات می‌شوند و از حق آموزش و تحصیل محروم شده‌اند.

### کار زنان و تفسیر طالبان از احکام اسلامی

در این گزارش ممنوعیت کار زنان توسط طالبان به تفسیر این گروه از احکام اسلامی رجعت داده شده است. در گزارش آمده است: «کاری که زنان در افغانستان امروزی مجاز به انجام آن هستند، به تفسیر دقیق طالبان از قوانین اسلامی بسته‌گی دارد. آن‌ها از فضای عمومی و اکثر اشکال شغلی منع شده‌اند. آن‌ها نمی‌توانند بالاتر از صنف ششم به مکتب بروند. اخیراً، آن‌ها از کار با سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان ملل متحد نیز منع شده‌اند. این امر زنده‌گی زنان و همچنان افغان‌هایی را که بقای آن‌ها به ارسال کمک‌های بشردوستانه بسته‌گی دارد، تغییر داده است.» در این گزارش به نقل از آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل متحد، آمده است: «اجازه دهید شفاف باشم. ما هرگز در برابر تهاجم بی‌سابقه و سیستماتیک به حقوق زنان و دختران سکوت نخواهیم کرد.»

### دیدگاه کارشناسان درباره اختلاف‌های نهادهای سازمان ملل در افغانستان

کارشناسان سازمان ملل متحد به شبکه خبری PBS گفته‌اند که نهادهای سازمان ملل به دو دسته تقسیم شده‌اند. این شبکه به نقل از آن‌ها افزوده است که برخی از این نهادها کارشان را با مردان از سر

کارشناسان سازمان ملل متحد به شبکه خبری PBS گفته‌اند که نهادهای سازمان ملل به دو دسته تقسیم شده‌اند. این شبکه به نقل از آن‌ها افزوده است که برخی از این نهادها کارشان را با مردان از سر گرفته‌اند، اما تعدادی دیگر حضور زنان را شرط ادامه کارشان در افغانستان خوانده‌اند.



جهان دارند. ۲۸ تا ۳۰ میلیون نفر به کمک نیاز دارند. میلیون‌ها نفر در حال حاضر دچار سوء‌تغذیه حاد هستند. من در مورد کودکان صحبت می‌کنم، مادران شیرده. این فراتر از باور، رنج است. در عین حال، ما در دسترسی به جمعیت به دلیل ممنوعیت کارگران زن مشکل داریم. ما اهداکننده‌گانی داریم که به افغانستان پشت می‌کنند.»

### چرا منع کار زنان فعالیت‌های سازمان‌های مددکاران را دشوار می‌سازد؟

یان اگلند، دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی، گفته است که آن‌ها نمی‌توانند «نیمی از نیروی کار» خود را کنار بگذارند. او دلیل دیگری را به سنت‌های مردم افغانستان رجعت داده و گفته است: «مدت‌ها قبل از طالبان، بسیاری از مردان واقعاً نمی‌توانستند با زنان خارج از خانواده کار کنند.» آقای اگلند شرح داده است: «ما نمی‌توانیم بدون زنان کار کنیم. مردان نمی‌توانند به سراغ زنان بیوه، به خانواده‌های مجرد تحت سرپرستی زنان و غیره بروند. دلیل دیگر نیز این است که نیمی از نیروی کار خود را کنار نخواهیم گذاشت.» او تأکید کرده که در حال حاضر در برابر فشارهای طالبان معافیت گرفته است. دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی خاطرنشان ساخته است: «اکنون به سه چهارم عملیاتی که در پایان سال گذشته داشتیم، بازگشته‌ایم؛ اما واقعاً باید عملیات بسیار بزرگ‌تری انجام می‌دادیم؛ زیرا نیازها در حال افزایش است.»

### امتیزه شدن و سلطه طالبان بر کل افغانستان

یان اگلند از اختلاف میان اعضای رهبری گروه طالبان نیز سخن گفته است. به گفته او، مقام‌های کابل‌نشین و قندهارنشین طالبان روی برخی از موارد اختلاف نظر دارند. او افزوده است که شماری از مقام‌های طالبان مخالف ممنوعیت آموزش و تحصیل زنان هستند. اگلند سیاست‌های طالبان در قبال زنان را مطابق گفته‌های دبیر کل سازمان ملل متحد «آپارتاید جنیستی» خوانده است. این مقام نارویزی گفته است: «موافقم که ما اسمش را بگذاریم «آپارتاید»، آن را تبعیض جنیستی سیستماتیک و فاحش بنامیم. وقتی با زنان همکارم در این جا صحبت می‌کنم، اصولاً می‌گویند که فعالیت‌های فرهنگی را از ما گرفته‌اند، تحصیل دختران ما را گرفته‌اند و حالا کار ما را هم گرفته‌اند. ناامیدی دلخراش است.» او تأکید کرده که نهادهای کمک‌رسان در افغانستان شاهد کاهش بودجه از سوی کمک‌کننده‌گان می‌باشند. دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی افزوده که این نهاد مجبور شده شماری از کارمندان زن و مرد را به دلیل کاهش بودجه اخراج کند.

### آیا ممنوعیت‌های کاری زنان برداشته خواهد شد؟

اما تعدادی دیگر حضور زنان را شرط ادامه کارشان در افغانستان خوانده‌اند. یکی از کارمندان سازمان ملل متحد که از ذکر نامش در گزارش PBS خودداری کرده، گفته است: «برخی از زنان تنها افرادی هستند که خانواده خود را حمایت مالی می‌کنند. بنابراین، اگر آن‌ها نتوانند کار کنند، چگونه می‌توانند از نظر مالی خانواده خود را تأمین کنند؟ همه نگرانند و نگران شغل خودند. در واقع، در این جا نمی‌توانم به طور کامل آن چه را که احساس می‌کنیم، بیان کنم. هر دختر، هر زن، آن‌ها واقعاً امید خود را از دست داده‌اند. آن‌ها نمی‌توانند آموزش دهند. آن‌ها حتی نمی‌توانند به پارک‌ها بروند. همیشه در خانه هستند که واقعاً همه را افسرده می‌کند.»

### بحران انسانی و خشک‌سالی؛ ۹۷ درصد مردم در فقر شدید به سر می‌برند

شبکه خبری PBS در این گزارش گفته که بحران انسانی در افغانستان در حال بدتر شدن است. براساس این گزارش، بدتر شدن وضعیت بشری، ناشی از خشک‌سالی و اقتصاد نابه‌سامان است که ۹۷ درصد مردم این کشور را با فقر شدید مواجه ساخته است. در این گزارش از عدم تأمین بودجه درخواست شده ۴.۶ میلیارد دلاری سازمان ملل نیز یاد شده است.

در این گزارش شورای پناهنده‌گان ناروی (NRC) از طالبان خواسته که محدودیت‌ها بر زنان را لغو کنند تا این نهاد بتواند به ارایه کمک‌های بشردوستانه در افغانستان، ادامه دهد. این شبکه خبری با یان اگلند، دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی (NRC)، گفت‌وگو کرده است. دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی به‌تازگی در ولایت قندهار به دیدار مقام‌های طالبان رفته است؛ اما در گزارش تذکر نرفته که او توانسته با رهبر طالبان دیدار کند یا خیر. او در گفت‌وگوی اختصاصی با طلوع نیز گفته است که برای برگشت سفیران غربی به کابل «لابی‌گری» می‌کند. آقای اگلند افزوده است: «سفیر ما باید هرچه زودتر به افغانستان برگردد و من به خاطر این کار و همچنان سفیران اروپایی برای بازگشت‌شان لابی‌گری می‌کنم.»

### فراتر از فاجعه

یان اگلند، دبیر کل شورای پناهنده‌گان ناروی، در این صحبت با این شبکه خبری امریکایی وضعیت بشری در افغانستان را «فراتر از فاجعه» توصیف کرده است. او در پاسخ به پرسش این شبکه خبری مبنی بر بدتر شدن وضعیت بشری در افغانستان، گفته است: «[بحران بشری] واقعاً فراتر از فاجعه است.» او از بی‌توجهی بیشتر به افغانستان گفته است: «بسیار عجیب است که توجه بیشتر به افغانستان وجود ندارد؛ زیرا ما احتمالاً بیشترین تعداد افرادی را داریم که نیاز شدید به کمک‌های بشردوستانه در سراسر

اگلند تصریح کرده است: «من از قندهار آمدم. به‌زودی رهنمودهایی را که می‌تواند ممنوعیت ملی را لغو کند و توافق مشخصی در قندهار که یکی از محافظه‌کارانه‌ترین مکان‌ها در افغانستان است، برای یک اقدام موقت که به زنان اجازه می‌دهد به کار برگردند و برای زنان نیازمند در افغانستان کار کنند.» او در این گزارش توضیح داده است که چگونه کشورها از ارایه کمک‌های بشری ای می‌ورزند. به گفته او، بسیاری از مقام‌های تصمیم‌گیرنده در کشورهای خارجی زن هستند. آن‌ها نمی‌خواهند به افغانستان کمک کنند. در این گزارش به نقل از اگلند آمده است: «بسیاری از وزیران توسعه، زن هستند که می‌گویند: نه، ما چگونه می‌توانیم کشوری را با چنین رژیمی که به طور سیستماتیک حقوق زنان را پایمال می‌کند، هزینه کنیم؟ ما باید پول را پس بگیریم. ما کمک‌های بشردوستانه را سیاسی می‌کنیم که نصیب سربازان یا رهبران طالبان نمی‌شود. این به زنان و کودکان می‌رسد. بنابراین، این باور نادرست است که شما به نوعی طالبان را مجازات می‌کنید، در حالی که واقعاً کار افراد بسیار فقیر را تضعیف می‌کنید.»

این در حالی است که یافته‌های یک گزارش تحقیقی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در نتیجه دست‌برد طالبان به کمک‌های بشری، ۴۲ هزار خانواده نیازمند در ولایت غور از کمک محروم شده‌اند. همچنان در تازه‌ترین مورد متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، از تعلیق کمک‌های کشورش به ولایت‌های غور، ارزگان و غزنی خبر داده است. او گفته که برخی از مقام‌های محلی طالبان در افغانستان در تلاش مداخله در روند کمک‌های بشردوستانه بوده‌اند. آقای میلر در یک کنفرانس خبری در امریکا افزوده است: «ما فعالیت‌های خود را در ولایت غور و پس از بررسی شواهدی که نشان می‌دهد طالبان تلاش داشتند این کمک‌ها را منحرف بسازند، به حالت تعلیق درآورده‌ایم. برنامه جهانی غذا توزیع را در دو ولسوالی ولایت غزنی از ماه جنوری تا ماه اپریل سال روان میلادی متوقف کرده است؛ زیرا مقام‌های محلی این ولایت تلاش کردند در توزیع این کمک‌ها مداخله کنند.»

با این حال منابع در ولایت غزنی به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که کمک‌های بشردوستانه در شماری از ولسوالی‌های این ولایت به حالت تعلیق درآمده است.

### واکنش زنان و دختران به ادامه فعالیت‌های نهادهای بین‌المللی در افغانستان

شماری از زنان و دختران معترض در واکنش به تعامل نهادهای سازمان ملل متحد و برخی از سازمان‌های امدادسان دیگر در افغانستان با طالبان، آنان را متهم به رسمیت‌دهی به طالبان کرده‌اند. این معترضان گفته‌اند که در نزدیک به دو سال گذشته سازمان ملل متحد و شماری از نهادهای دیگر زیر نام کمک‌های بشردوستانه، طالبان را تقویت کرده‌اند. یک نوار تصویری که از این زنان معترض در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌طور گسترده بازنایافته، نشان می‌دهد که آنان سازمان ملل متحد را متهم به تقویت طالبان می‌سازند. آنان در این نوار تصویری می‌گویند: «سازمان ملل و حقوق بشر و شورای امنیت سازمان ملل تمامی‌شان به‌طور کلی و آشکار دارند با طالبان تعاملات و معاملات انجام می‌دهند و زودبندهایی دارند و کم‌کم بوی این می‌آید که طالبان را به رسمیت بشناسند. گروه طالبان در افغانستان نزدیک به دو سال می‌شود که مرتکب نقض علنی حقوق بشر، قتل و کشتار، انتحار و انفجار، قاچاق مواد مخدر، ازدواج‌های اجباری با زنان و دختران، تاراج منابع طبیعی و سرمایه کشور شده است. هر نوع سازش و حمایت جامعه جهانی و سازمان ملل با این گروه، در مغایرت با منشور سازمان ملل قرار دارد.»





## آیا «سنت دینی» طالبان را محکوم می‌کند؟

روستایی

و تصمیم مرگ و زنده‌گی انسان‌ها را به‌آسانی می‌توانند بگیرند.

برای روشن‌ترین شدن مقصود، بهتر است مثالی بزنم: در این روزها هرگاه پای صحبت ناشران و کتاب‌فروشان در کابل یا ولایت‌ها بنشینید، بیشتر آن‌ها از وضع کاروبار شکایت دارند و چند گزاره متحد‌المال را از زبان‌شان می‌شنوید: وضعیت بازار چاپ و نشر کتاب، بی‌رونق است؛ طالبان در برابر فروش کتاب محدودیت وضع کرده و فروش بعضی کتاب‌های مخالف «ارزش‌های اسلامی» را ممنوع ساخته‌اند؛ آوردن کتاب از ایران با محدودیت‌های دست‌وپاگیر و حوصله‌بر مواجه است؛ طالبان دستور داده‌اند که باید کتاب‌هایی که درباره مسیحیت و بودیسم و بهودیت و... نوشته شده از بازار برچیده شود. پرسش این است که چطور می‌توان با اتکا بر مراجع دینی سنتی، این رفتار طالبان را تقبیح کرد و آن را ناسازگار با اصول و چارچوب‌های دینی دانست؟ آیا در سنت دینی ما برای برخورد سخت‌گیرانه طالبان در برابر کتاب و کتاب‌فروشان نمی‌توان توجیه دینی تراشید؟

جالب است بدانید که یکی از مباحثی که در کتاب‌های سنتی به آن پرداخته شده، این است که آیا می‌توان از کاغذ بعضی کتاب‌ها به‌عنوان کاغذ تشناب استفاده کرد؟ بعضی از فقیهان گفته‌اند اشکالی ندارد از کتاب‌های نامحترمی همچون کتاب‌های جادوگری، فلسفه و منطق، به‌عنوان کاغذ تشناب استفاده شود. استدلال‌شان این‌طور است که حروف، حرمت ذاتی ندارند، بلکه حروف عبارت‌اند از نقش‌ونگارهایی که دلالت بر الفاظ کنند و الفاظ دلالت بر معانی نمایند. بنابراین، حروف و کلمات زمانی حرمت دارند که بر معانی شریف و قابل احترام دلالت کنند، نه این‌که مشتمل بر مطالب مربوط به جادوگری، فلسفه و منطق باشند.

نکته قابل توجه دیگر این است که همین فقیهان این را هم می‌افزایند که استنجا با انجیل و تورات تحریف‌شده (مسلمانان انجیل و تورات کنونی را قطعاً تحریف‌شده می‌شمارند) نیز هیچ ایرادی ندارد؛ چون این کتاب‌ها سخنانی را در خود گرد آورده که سودمند نیست و بهره‌گرفتن از آن، ناروا است و از این رو از بین بردن آن به هر صورتی که باشد واجب است. کاغذ تشناب ساختن این کتاب‌ها، یکی از راه‌های از بین بردن آن است. فقیهان از قدیم در این باره بحث کرده‌اند که حاکم یا قاضی در قبال کتاب‌هایی که حاوی «باطل و بدعت» باشد، چه وظیفه‌ای دارد. تصریح کرده‌اند که هرگاه به نظر حاکم یا قاضی رسید که نشر بعضی کتاب‌ها ضرر و فساد به وجود می‌آورد و اخلاق و دین مردم را خراب می‌کند، وی حق دارد از نشر و توزیع این کتاب‌ها جلوگیری کند. البته اگر به یقین رسید که نشر و توزیع بعضی کتاب‌ها باعث خلق مفسده و سست شدن عقاید یا اخلاق مردم می‌شود، از لحاظ شرعی واجب است که اقدام به جلوگیری از انتشار کتاب کند. آن‌ها این‌طور استدلال می‌کنند که جلوگیری از

مخالفتان طالبان، راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند تا در حد توان خود حکم‌رانی این گروه را به چالش بکشند و پایه‌های آن را تضعیف کنند. یک دسته از مخالفان به این تصورند که موثرترین شیوه مقابله با رفتار و عقاید گروه طالبان، این است که براساس دیدگاه‌های سنتی فقهی و کلامی، بی‌مایه و بی‌پایه بودن منطق دینی این گروه آشکار ساخته شود. با توجه به این‌که اکثریت مردم افغانستان هنوز هم پای‌بند برداشت‌های سنتی از دین هستند و با قرائت‌های انسانی‌تر از دین سازش و همنوایی ندارند، این پیشنهاد معقول و موجه جلوه می‌کند. این شمار از مخالفان ایدیولوژی طالبان تاکید می‌کنند که رمز نفوذ و رسوخ طالبان در میان عوام این است که مطابق سویه و درک آن‌ها سخن می‌زنند و از همان ادبیات و مفرداتی استفاده می‌کنند که توده‌ها برای سال‌ها با آن انس و آشنایی داشته‌اند و اگر مخالفان طالبان می‌خواهند تبلیغات دینی طالبان را خنثا و بی‌اثر کنند، باید همان راهی را بپیمایند که طالبان پیموده و نتیجه گرفته‌اند. من در این‌جا به اختصار قصد دارم بر این نکته پای بفشارم که راهکار استفاده از سنت دینی برای مقابله و زورآزمایی با طالبان، کارساز و کارآمد نیست. درست است که می‌توان در سنت دینی به مستندات متعددی در محکومیت عمل کرد و افکار طالبان دست یافت، اما به همان اندازه که مخالفان می‌توانند از سنت دینی در تقبیح و محکومیت رفتار طالبان، دلیل و مستمسک بیابند، طالبان هم به همان اندازه یا حتی بیشتر از آن، به‌آسانی قادر خواهند بود از سنت دینی به نفع خود استفاده کنند و برای هر گامی که برمی‌دارند، برهان و دلیل فقهی یا کلامی ارایه کنند. در چنین حالتی، بسیار دشوار است که توده‌ها را از سردرگمی نجات داد و تکلیف‌شان را روشن ساخت. توده‌ها که معمولاً فاقد درک درست و تحلیل جامع هستند، وقتی مشاهده می‌کنند که طالبان برای کارهای خود مستند دینی دارند، قانع می‌شوند، مخصوصاً با توجه به این‌که قدرت و غلبه هم در دست طالبان است



**واقعیت امر آن است که به نام مبارزه با بدعت و انحراف، چه خون‌هایی که در تاریخ مسلمانان ریخته شده و چه حرمت‌هایی که شکست‌انده شده است. تلخی داستان در این است که تعریف جامع و مانعی از «بدعت» در دست نیست و هر کسی به فراخور ذوق و جهان‌بینی خود، به خود اجازه می‌دهد عقاید و دیدگاه‌های دیگران را برچسب بدعت و انحراف بزند و تکلیف را یک‌سره کند. فاجعه وقتی عمیق می‌شود که گروه یا طایفه‌ای قدرت را تصاحب کنند.**

نشر کتاب‌های نامطلوب، یکی از مقاصد شرع را برآورده می‌کند و آن عبارت است از حفظ دین. به گفته اینان، جهاد با کفار و قتل مرتدان و مجازات بدعت‌گذاران از اقدام‌هایی است که برای حفظ دین صورت می‌گیرد. جلوگیری از نشر کتاب‌های نادرست نیز در ذیل حفظ دین تعریف می‌شود. این قیم، شاگرد ابن تیمیه، سوزاندن کتاب‌های گمراه‌کننده یا از بین بردن آن را از واجبات دینی می‌شمارد.

استدلال دیگر فقیهان در باب جواز یا وجوب از بین بردن کتاب‌های اهل ضلال و بدعت این است که یاران پیامبر خدا نیز به شبیه این کار مبادرت ورزیده‌اند. آن‌ها برای این‌که اختلاف و سردرگمی در میان مسلمانان به وجود نیاید و آشوب و فتنه برنخیزد، قرآن‌هایی را که در تعارض با قرآن حضرت عثمان بود، طعمه حریق ساختند. ابن قیم پس از نقل این ماجرا می‌گوید: «[صحابه از ترس گرفتار شدن در اختلاف و پراکنده‌گی مصاحف را سوزاندند] اگر این کتاب‌هایی را که عملاً مردم را دست‌خوش اختلاف و کش‌مکش کرده‌اند می‌دیدند، چه می‌گفتند.»

استدلال دیگر این گروه از فقیهان این است که ممنوع‌سازی کتاب‌های بدعت و گمراهی از قبیل مجازات و تعزیر تبلیغ‌کننده‌گان بدعت است. برای دعوت‌گران به بدعت، مجازات‌های معینی در نظر گرفته که قطعاً جلوگیری از نشر کتاب‌ها و افکارشان، سبک‌ترین مجازات است. حاکمان در قرون اولیه اسلام، افرادی از قبیل جعد بن درهم و جهیم بن صفوان و غیلان دمشقی را به اتهام بدعت‌گذاری کشتند و هیچ‌یک از فقیهان مسلمان در برابر این کار حاکمان اعتراضی نشان نداد. ابن تیمیه می‌گوید: «تبلیغ بدعت موجب فساد دین مردم می‌شود. پس قتل بدعت‌گذاران، عین قتل مفسدینی است که عملاً با مسلمانان وارد جنگ می‌شوند. جنگیدن با زبان به‌مثابه جنگیدن با سلاح است.»

تاریخ‌نویسان مسلمان، نمونه‌های فراوانی از حوادثی را نقل کرده‌اند که در آن، حاکم مسلمان، بعضی کتاب‌ها را ممنوع اعلام کرده‌اند

و علمای دین هم این کار حاکمان را مورد تایید قرار داده‌اند. مثلاً در «البدایه والنهایه» از ابن کثیر در مقام برشماری حوادث سال ۲۷۹ هجری قمری آمده است: «در آن سال، ندا در داده شد که کتاب‌های کلام و فلسفه و جدل میان مردم به فروش رسانده نشود.»

در کتاب سیر اعلام النبلاء از زبان قاضی عیاض نقل شده که سلطان وقت مغرب با تکیه بر فتوای علمای دین دستور داد کتاب‌های ابوحامد غزالی، از جمله «احیاء علوم‌الدین» سوزانده و از نزدیک شدن مردم به آن‌ها جلوگیری شود. به گمان مخالفان غزالی در مغرب آن روزگار، در کتاب‌های غزالی، تصوف با فلسفه آمیخته شده و این باعث گمراهی خواننده‌گان است.

معتمد بن عباد، حاکم وقت اشبیلیه و قرطبه، فرمان صادر کرد که کتاب‌های ابن حزم به آتش کشانده شود؛ چون در آن بر فقیهان و علما زبان‌درازی صورت گرفته و در حق آنان صفت‌ها و القاب زشت به کار رفته بوده است.

واقعیت امر آن است که به نام مبارزه با بدعت و انحراف، چه خون‌هایی که در تاریخ مسلمانان ریخته شده و چه حرمت‌هایی که شکست‌انده شده است. تلخی داستان در این است که تعریف جامع و مانعی از «بدعت» در دست نیست و هر کسی به فراخور ذوق و جهان‌بینی خود، به خود اجازه می‌دهد عقاید و دیدگاه‌های دیگران را برچسب بدعت و انحراف بزند و تکلیف را یک‌سره کند. فاجعه وقتی عمیق می‌شود که گروه یا طایفه‌ای قدرت را تصاحب کند. در آن صورت، کوتاه‌ترین راه برای فروکوفتن مخالفان، بستن اتهام‌هایی از قبیل بدعت‌گذار و منحرف و گمراه به آن‌ها است و در آن هنگام، تصفیه فزیکتی آن‌ها به‌آسانی انجام می‌شود و آب از آب تکان نمی‌خورد.

مقصود از نوشتن این سطور، تاکید بر این موضوع است که شیوه درست و تأثیرگذار مقابله با افکار طالبان، تکیه بر میراث فقهی و کلامی مسلمانان نیست. اگر قرار باشد میراث یادشده را ملاک بسازیم، طالبان هم حرف‌هایی برای گفتن در این زمینه دارند و چه بسا بهتر از ما برای رفتار زشت و ضد فرهنگ و تمدن خود، از سنت دینی استمداد کنند. ما تا زمانی که به مبانی عقلانیت معاصر پای‌بند نباشیم و تا زمانی که پیش‌فرض‌های بیرون‌دینی خود را محک نزنیم، همین آش است و همین کاسه. تا موقعی که بخش بزرگی از مردم جامعه‌های ما به این باور نرسند که کرامت ذاتی انسان، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و عقیده از جمله ارزش‌های جهان‌شمول است و باید برای زنده‌گی آبرومندانانه در جهان معاصر این مفاهیم را پذیرفت، بساط قرائت انسان‌ستیز و خشن از دین برچیده نخواهد شد. تا آن زمان، تقلا برای اثبات این‌که قرائت طالبان از اسلام، با سنت دینی در تعارض قرار دارد، کار دشواری است؛ چرا که طالبان هم به همین سنت دینی به منظور تقویت مواضع خود تکیه می‌کنند.



## روز جهانیه پریود:

# دختران نوجوان در افغانستان نخستین دوره قاعده‌گه را چگونه سپری‌ه کنند؟



ف. س

نمی‌خورند. او می‌گوید که این واقعه برای تلخ و دردناک بوده است. او هنوز در هنگام پریود آشپزی نمی‌کند و از این‌که همه درباره پریود او می‌دانند، احساس شرم می‌کند و با خجالت‌زده‌گی سعی می‌کند در این موقع کمتر خودش را به مردان نشان بدهد.

قاعده‌گی یا پریود پدیده‌ای است که در میان زنان افغانستان صحبت از آن بی‌ادبی تلقی می‌شود. امری زنانه که خود زنان آن را شرم‌بندرانند و از صحبت در مورد آن خودداری کنند، واضح است که مردان نیز چندان تمایلی به صحبت کردن در این باره نشان نمی‌دهند و یا از آن چیزی نمی‌دانند. با وجود این هم، تلاش شده در این گزارش با برخی از مردان (پدرانی که فرزند دختر دارند) در رابطه به پریود صحبت شود. از میان پنج تن، تنها یک تن آنان درخواست صحبت را به شرط حفظ هویتش قبول کرده است. او پریود را شرم نمی‌داند. او که صاحب سه فرزند دختر است، برای هر سه آنان، خودش نوار بهداشتی خریداری می‌کند. او می‌گوید: «خانم هیچ وقت آشکار برابم نگفته که مریض ماهوار شده است؛ اما غیرمستقیم برابم می‌رساند. در خانه رفتار صمیمی با دخترانم دارم. وقتی آن‌ها جوان شدند، خواستم فضا را طوری بسازم که احساس شرم نکنند. اگرچه آن‌ها واضح نمی‌گویند، ولی من پی می‌برم.»

### بهداشت در زمان قاعده‌گی/پریود

بهداشت در زمان پریود بسیار مهم و اساسی است؛ چیزی که اغلب مردم افغانستان در مورد آن ناآگاه‌اند و توجهی به آن ندارند. ناآگاهی در رابطه به پریود و چگونه‌گی بهداشت آن، سبب شده که اطلاعات نادرست میان زنان پیرامون مراقبت و مدیریت این پدیده رایج شود. استفاده از نوار بهداشتی و تامپون اصلی‌ترین نیاز برای زنان در دوران پریود است؛ اما تهیه این وسایل برای بسیاری از زنان دشوار و گاه ناممکن است. در افغانستان اما جدا از این موضوع، مساله دیگر عدم شناخت و آگاهی در مورد بهداشت در زمان قاعده‌گی و استفاده از نوار بهداشتی است. باورهای غلط زیادی در مورد پریود میان زنان رایج است، از جمله حمام نکردن در زمان قاعده‌گی، عدم استعمال نوار بهداشتی و نوشیدن آب. بسیاری از زنان به این باورند که شستن بدن در زمان قاعده‌گی سبب نازایی زن می‌شود و استفاده از نوار بهداشتی ناجایز است.

رابعه (نام مستعار) زنی کهن سال است که به دختران و نواسه‌هاش توصیه‌هایی در زمان پریود می‌کند. او می‌گوید: «من هیچ‌وقت اجازه نداده‌ام دختران و نواسه‌هایم در زمان مریضی ماهوارشان حمام کنند و یا از چیزهایی که در بازار فروخته می‌شود، استفاده کنند.» رابعه که حالا کمرش خمیده است و دور از شهر زنده‌گی می‌کند، به این باور است که استفاده از نوار بهداشتی روا نیست. نواسه‌های او همه از دستورات مادر بزرگشان پیروی می‌کنند.

شرم‌انگاری پریود سبب شده که وسایل مرتبط با آن نیز در جامعه تابو به نظر برسد. خرید نوار بهداشتی، عملی مخفیانه میان دختران است. بسیاری از دختران در هنگام خرید نوار بهداشتی، خجالت‌زده می‌شوند و احساس شرم می‌کنند و یا ترجیح می‌دهند کس دیگری برای‌شان بخرد. نقیبه که چهارمین بارش است در دوره پریود قرار می‌گیرد، می‌گوید: «بار اول از تکه لباس کهنه‌ام استفاده کردم و باز از مادرم خواستم که برابم نوار بهداشتی بخرد.» نقیبه هر باری که به خود جرئت داده تا نوار بهداشتی بخرد، موفق نشده است. او می‌افزاید: «باری به فروشگاه رفتم تا نوار بهداشتی بخرم. پیش دست نبود و وقتی پیدایش کردم، نمی‌توانستم هزینه‌اش را ببرسم.» وجود مردان و زنان دیگر در فروشگاه نیز سبب شده که نقیبه نتواند نوار بهداشتی بخرد. بالاخره نقیبه نوار بهداشتی را به دست مادرش می‌دهد تا او برایش بخرد.

### نگاه خانواده‌ها و ممنوعیت‌های رفتاری دختران در زمان قاعده‌گی

دختران در هنگام پریود با ممنوعیت‌های رفتاری بسیاری مواجه می‌شوند. اگرچه آن‌ها از رفتن به مکان‌های مقدس بازداشته می‌شوند، اما شرم از ابراز پریود سبب می‌شود که دست به تظاهر بزنند. دختران در برخی از خانواده‌ها مجبورند حتا زمانی که روزه‌دار نیستند، خودشان را روزه‌دار نشان بدهند و نماز نمایشی بخوانند. سعديه (نام مستعار) دختر ۲۴ ساله است و در یک خانواده نهنفزی زنده‌گی می‌کند. او می‌گوید که اولین بار در سن ۱۲ ساله‌گی پریود شده است و تا امروز هیچ‌کسی در خانواده‌اش درباره آن نمی‌دانند. سعديه در رمضان‌ها موقع پریود اظهار به روزه‌داری می‌کند. او می‌گوید: «گاهی وقت‌ها به دروغ وضو می‌گیرم و سر جای نماز به خواندن [نماز] ایستاد می‌شوم.» سعديه در یک خانواده مذهبی زنده‌گی می‌کند که سه برادرش قاری قرآن هستند و گاهی در خانه ختم قرآن کریم می‌گیرند. او می‌افزاید: «دو بار طوری شد که همزمان با ختم قرآن، من پریود بودم. به پدرم گفتم که نمی‌توانم بخوانم، قبول نکرد. بهانه سردردی‌ام را آوردم، باز قبول کرد. ولی بار دوم هر چه بهانه کردم، قبول نکرد و برابم گفت که از قرآن فرار می‌کنی. من هم مجبور شدم که پیش آن‌ها نمایشی قرآن بخوانم.»

خانواده‌ها نگاه‌های متفاوتی به این قضیه دارند. بعضی از مادران در این امر توجه دارند و عده‌ای بی‌توجه‌اند. شمیلا (نام مستعار) زنی میان‌سال، مادر چهار دختر است. او می‌گوید که سه دخترش وقتی پریود شدند، بوی هم نبرده بود که پریود شده‌اند یا خیر. وقتی هم می‌فهمید، خودش را به بی‌خبری می‌زد. او پریود را چیزی شرم‌آور می‌داند و فکر می‌کند که باید پنهانش کرد. اما دختر کوچک‌تر او که تازه جوان شده است، همیشه از مادرش می‌خواهد برای او نوار بهداشتی بخرد. شمیلا دختر کوچکش را «چشم‌سفید» خطاب می‌کند و می‌گوید: «به دخترهای این زمانه شرم نمانده است.»

مادرانی هم هستند که هنگام نوجوان شدن دختران، خودشان آن‌ها را از این امر آگاه می‌سازند. فرشته، زنی ۳۸ ساله است. او می‌گوید: «دخترم ۱۲ ساله شد و من متوجه بودم که کم‌کم دارد جوان می‌شود. برایش در مورد پریود گفتم. وقتی هم پریود شد، برابم گفت. برش تبریکی دادم و گفتم که حالا جوان شده است.» به نظر او، مادران باید در این مورد با دختران خود راحت صحبت کنند تا دختران‌شان دچار ترس و وحشت نشوند.

### برخورد مردان با زنان در زمان قاعده‌گی

با آن‌که کنجکاوی زیر پوست جامعه نسبت به قاعده‌گی وجود دارد، اما برای بسیاری از مردان این پدیده شبیه یک معما است. چیزی در مورد پریود نمی‌دانند و آگاهی‌ای هم که دارند، ناقص یا نادرست است. آنان متأثر از گفتمان غالب جامعه، بحث در مورد قاعده‌گی را شرم می‌پندارند. همان‌طور زنان هنگامی که مجرد هستند، از برادر و پدر شرم کرده، پنهان‌کاری می‌کنند. زمانی که ازدواج می‌کنند، این پدیده برای‌شان چالش‌زاتر می‌شود. بسیاری از خانم‌ها در هنگام پریود از سوی شوهران‌شان درک نمی‌شوند و با برخورد خشن آن‌ها مواجه می‌گردند. برخی از زنان می‌گویند که شوهران‌شان در هنگام پریود اصرار به مقاربت جنسی دارند.

در میان بعضی از اعضای جامعه چنین رواج است که دست‌پخت زنی که پریود است را نمی‌خورند. زبیده‌خانم که در یک روستای دور از شهر زنده‌گی می‌کند، در این باره می‌گوید: «در خانه مادرم، من آشپز بودم و کسی نمی‌گفت وقتی پریود هستی، دیگ نکن؛ ولی بعد از ازدواج خوشبوم برم گفت که وقتی «ناپاک» هستی، آشپزی نکن؛ چون مردها

را هر دختری تجربه می‌کند، ترس یک‌ساله ریحان را دور می‌ریزد و برایش روش غسل را یاد می‌دهد. ریحان چند خواهر کوچک‌تر از خود دارد که برای آن‌ها حین نوجوانی همه‌چیز را در رابطه به پریود گفته است تا مثل خود او نترسند. ریحان می‌افزاید: «خیلی ناراحت‌کننده است. دخترهای آن زمان مثل حالا درباره پریود چیزی نمی‌فهمیدند. من خیلی هراس داشتم.» حالا وضعیت بهتر شده و دختران می‌توانند از طریق رسانه‌ها چیزهایی درباره پریود بفهمند.

گل‌چهره، یک دختر ۲۶ ساله است. او از اولین باری که در مکتب پریود را تجربه کرده، می‌گوید: «وقتی مریض شدم، در مکتب بودم. در حال نوت گرفتن درس استاد بودم که احساس کردم میان پاهایم گرم شده است. جرئت نکردم که اجازه بگیرم تا از صنف بیرون شوم. نمی‌توانستم از جایم تکان بخورم. به کسی چیزی نگفتم و تا ساعت رخصتی خودم را مصروف خواندن و نوشتن کردم.» زمانی که زنگ رخصتی زده می‌شود، گل‌چهره با کم‌رویی و ترس از این‌که از لباسش لکه‌ای نمایان شود و یا جوراب‌های سفیدش سرخ شود، آهسته‌آهسته جدا از دوستانش از راه‌هایی که رفت‌وآمد مردم کم است، به خانه برمی‌گردد.

شمسیه دختر ۱۷ ساله است. او اولین تجربه‌اش از پریود را این‌گونه بیان می‌کند: «اولین باری که خون را دیدم، ترسیدم. فکر کردم کدام رقم مریض شده‌ام. در گوشه تشناب نشستم و پیش از این‌که بدنم را پاک کنم، گریه کردم. نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده است. از گفتن آن اتفاق به مادرم هم هراس داشتم.» او می‌افزاید که حتا بار دوم و سوم پریود نیز می‌ترسیده است.

زرگس (نام مستعار) نیز اولین باری که پریود شده، در مکتب در حال تشریح درس بوده است. او می‌گوید: «دل‌م می‌لرزید. در جایم میخ‌کوب شدم. استاد را گفتم که می‌روم تشناب. استاد اصرار داشت که درس را تمام کنم. بعد از تمام شدن درس، رفتم تشناب. آن‌جا دخترها بودند. آهسته آمدم به چمن مکتب و جوراب‌هایم را کشیدم که از آن‌ها به جای پارچه استفاده کنم.» زرگس از آن زمان تا حال از نوار بهداشتی استفاده نکرده است. در سال‌های اولی که پریود می‌شد، چادر و لباس‌های کهنه را استفاده می‌کرد و حالا پارچه‌های کتانی استفاده می‌کند.

پدیده بلوغ جنسی برای بسیاری از دختران ترسناک و اضطراب‌آور است؛ به دلیل این‌که دختران از قبل در مورد نوجوانی و تغییراتی که در بدن رخ می‌دهد، آگاهی ندارند. موقع بروز تغییرات در بدن‌شان، ترسیده و شرمگین می‌شوند و اعتماد به نفس‌شان را در همان آوان نوجوانی از دست می‌دهند. فریبا (نام مستعار)، چهار خواهر بزرگ‌تر از خود دارد. او می‌گوید: «چیزهایی از زبان خواهرانم شنیده بودم که می‌گفتند دختری که جوان شد، شوی می‌کند» او تا سن ۱۳ ساله‌گی با دختران و پسران هم‌بازی بوده است. فریبا توضیح می‌دهد: «پیش از پریود شدنم، خواب‌های ترسناکی می‌دیدم. پیش‌رویم سخت شده بود و به پدرم می‌گفتم مرا به داکتر ببرند، خواهرانم جنگم می‌کردند که نگو باز خودت می‌فهمی چه می‌شود. آن‌ها هیچ وقت واضح برابم نگفتند که چه اتفاقی برابم می‌افتد، تا این‌که خون را دیدم.» برای او چستی پریود را هنگام رفتن به خانه شوهر تعریف کرده بودند. فریبا بعد از آن‌که پریود می‌شود، دیگر بازی نمی‌کند. با آن‌که خواهرانش بزرگ‌تر از او بودند، اما به گفته خودش هیچ‌گاهی جرئت نکردند در مورد پریود به او چیزی بگویند. او اضافه می‌کند: «خواهرانم بار اول تمسخرگونه و بدون آن‌که واضح حرف بزنند، برخورد کردند. دیگر جرئت نکردم بگویم، می‌شرمیدم. حتا نمی‌دانستم چه استفاده کنم تا خون خشک شود. تنها کاری که بلد بودم، این بود که زودرود شلوارم را تبدیل می‌کردم.»

پریود یا قاعده‌گی، چرخه طبیعی ماهانه است که حدود ۸۰۰ میلیون زن روزانه با آن مواجه‌اند. این فرایند طبیعی اما در افغانستان به دلیل سانسور جسم زن، نگاه مسلط مردسالارانه و رواج‌های نادرست در جامعه، تابو پنداشته می‌شود. شرم‌انگاری قاعده‌گی، سبب شده که حرف زدن در مورد آن نیز شرم و بی‌ادبی تلقی شود. برای بسیاری از مردان قاعده‌گی مثل یک معما و برای تعدادی از زنان شرم‌آور است. از نگاه جامعه‌شناسان، فرهنگ جامعه می‌تواند سازوکارهای فیزیولوژی بدن انسان را تحت شعاع خود قرار دهد. بدن زن در جامعه مردسالار سانسور می‌شود و حرف زدن در مورد آن و آن‌چه در بدن زن اتفاق می‌افتد، در جامعه به‌مثابه «شرم» تلقی می‌گردد. جامعه‌شناسان می‌گویند که از نظر اجتماعی شرم پنداشتن قاعده‌گی افراد را وادار به پنهان کردن آن می‌سازد. این تابوانگاری سلامت روان و رفاه کلی زنان افغانستان را تحت تاثیر قرار داده است.

واکنش دختران نسبت به قاعده‌گی ربط وثیقی به زمینه تربیتی و نگرش جامعه دارد که این نگرش در چگونه‌گی نگاه زن به بدنش تاثیر می‌گذارد. مبحث آموزشی که مهم‌ترین عامل برای آگاهی‌دهی در این زمینه است، در افغانستان غایب است و معمولاً نادیده گرفته می‌شود. خانواده‌ها به این مهم اهمیت نمی‌دهند، سیستم آموزشی نیز برنامه‌ای برای آگاهی‌دهی ندارد و حکومت نیز در زمینه بهداشت و تامین نیازهای زنان در این دوره، کاری انجام نداده است.



**پدیده بلوغ جنسی برای بسیاری از دختران ترسناک و اضطراب‌آور است؛ به دلیل این‌که دختران از قبل در مورد نوجوانی و تغییراتی که در بدن رخ می‌دهد، آگاهی ندارند. موقع بروز تغییرات در بدن‌شان، ترسیده و شرمگین می‌شوند.**

برای اکثریت دختران افغانستان تجربه اولین مواجهه با پریود «عجیب»، «ترسناک» و توام با «شرم» بوده است. دختران نوجوان درک درستی از آن چه در بدن‌شان برای نخستین بار پس از بلوغ می‌گذرد، ندارند. به همین دلیل دچار ترس و وحشت می‌شوند. ریحان حسین، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی، اولین تجربه پریود خود را شبیه دختران هم‌دوره‌اش می‌داند و می‌گوید: «تقریباً ۱۲ ساله بودم که پریود شدم. یک روز قبلش در مکتب وقتی در یخ‌مالک بالا شده بودم، محکم به زمین افتاده بودم. فردای آن روز شلوارم خونی شده بود. مادرم در دهلیز ایستادم کرد و به جای این‌که برابم در مورد پریود بگوید، ازم پرسید که تو چه کردی و چرا چنین شده. من چیزی نمی‌فهمیدم و فقط حادثه روز قبل از یخ‌مالک یادم می‌آمد. فکر می‌کردم تاثیر آن است. به مادرم گفتم و بدون آن‌که چیزی بگوید، برابم شورت و یک تکه داد.» تا چند روز خون‌ریزی، ریحان فکر می‌کند که این تاثیر افتادن از یخ‌مالک است؛ اما ماه بعد باز پریود می‌شود. این بار به کسی نمی‌گوید و فقط شلوارهای ضخیم و سیاه می‌پوشد. ریحان می‌گوید: «آن وقت زیاد لاغر بودم و خون پریودم کم بود. به مادرم نمی‌توانستم بگویم. نمی‌فهمیدم از پریود. احساس می‌کردم حامله شده‌ام.» بعد از مدت یک سال با زیاد شدن خون پریود، ریحان یک دل را صد دل کرده ترس و هراسش را دور می‌ریزد و به مادرش می‌گوید. آن موقع مادر ریحان با گفتن این‌که پریود







## روز جهانی بهداشت قاعده‌گی؛

# تابوی قاعده‌گی در افغانستان

ف. س.

همین حالا که این متن را می‌خوانید، ۸۰۰ میلیون زن در دوران قاعده‌گی خود به سر می‌برند؛ فرآیندی طبیعی که در بیشتر کشورها از جمله افغانستان تابو است. از زنان می‌پرسیم: اولین چیزی که درباره این اتفاق می‌دانستید، چه بود؟ این که روند طبیعی بدن است؟ با درد جسمی و روانی همراه است؟ چرا خون‌ریزی دارید؟ مطمئناً هیچ‌یک از این‌ها، پرسش و دغدغه شما نبوده است. فکر کنید، اولین چیزی که درباره این اتفاق می‌دانستید، حتا اسم آن (عادت ماهانه، قاعده‌گی، دستان، حیض، پیروید و منس...) هم نبوده، بلکه آن چه بار اول فهمیده‌اید، اگر نترسیده باشید، این بوده که یک اتفاق شرم‌آور برای تان افتاده است. تا حال فکر کرده‌اید که اگر مردان این حالت را تجربه می‌کردند، نه زنان، آن وقت نوع نگاه به قاعده‌گی چگونه می‌بود؟ شاید خون‌ریزی قاعده‌گی نه «نجاست» و «پلیدی» که نشانه برتری مردان و چرخه ماهانه تزکیه نفس و پاکی مردان به حساب می‌آمد. همان گونه که ختنه پسران جشن گرفته می‌شود و به اصطلاح «شاه کوچک» می‌شوند، بعید نیست که در آن صورت اولین دوره قاعده‌گی نیز، با جشن و تبریکی همراه می‌بود.

بیشتر زنان در طول زنده‌گی خود حدود ۳۵ تا ۴۰ سال وارد این چرخه می‌شوند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر. برای برخی توام با درد جسمی و برای برخی همراه با رنجش‌های روحی است. با آن که این یک حالت طبیعی میان زنان است و صدها میلیون زن در سراسر جهان آن را تجربه می‌کنند، آن چه را باید برای مدیریت قاعده‌گی با خیال راحت، بهداشتی و بدون شرم‌ندگی در اختیار داشته باشند، ندارند. این موضوع در هاله‌ای از ابهام و شرم قرار دارد و همچنان مسکوت گذاشته شده و تا هنوز به‌عنوان یکی از سرسخت‌ترین تابوهای زیست‌شناختی باقی مانده است، به‌نحوی که در تقویم جهانی برای مقابله با این موضوع امروز، ۲۸ می، به این عنوان نام‌گذاری شده است. در سال ۲۰۱۴ سازمان مردم‌نهاد فعال در زمینه بهداشت زنان، dWash، Unite، ۲۸ می را روز جهانی بهداشت قاعده‌گی نام‌گذاری کرده است؛ نام‌گذاری‌ای که هدف آن آشنایی زنان با نکات بهداشتی مهم در این دوره، آشنایی با چرخه آن، توانایی در تغییر بهبود شرایط، بهانه‌ای برای گسترش آگاهی و از بین بردن تابوی قاعده‌گی در برخی جوامع است.

در جوامع جنسیت‌زده و مردسالار که سخن از بدن زن، خصوصیات فزیولوژی و محصولات مرتبط به آن، تابو محسوب می‌شود، قاعده‌گی یا عادت ماهوار زنان مثال روشنی از این ماجرا است. در جامعه ما برای

خیلی از آدم‌ها خصوصاً زن‌ها و حتا بعضی از زنان مردان آگاه و تحصیل کرده، صحبت از قاعده‌گی و عادت ماهانه و دردها و مشکلات و محدودیت‌هایش (خصوصاً در مقابل مردان) شرم به حساب می‌آید. دختران زیادی به دلیل عادت ماهانه مورد آنگ، طرد و تبعیض قرار می‌گیرند. دختران نوجوان با تجربه قاعده‌گی، از یک سو درگیر تغییرات جسمانی بدن هستند و از دیگر سو درگیر کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی‌اند که جامعه از آن‌ها انتظار دارد.

بلوغ دختران در جامعه ما در هاله‌ای از مذهب، اسطوره، هنجار، تابو و ارزش‌های جامعه پوشیده شده و تبدیل به عرصه رازآلود و ناشناخته شده است. جنسیت و جوانی دو مولفه بسیار مهم در افغانستان است، طوری که با ورود دختران به دوره بلوغ آن‌ها از گروه پسران در جامعه جدا می‌شوند، قوانین و مقررات خاصی برای‌شان اجرا می‌شود و طیفی از ابزارهای کنترل برای مهار ساختن تمایلات جنسی آن‌ها به‌طور غیرمستقیم و مسقیم در نظر گرفته می‌شود. برای دختران بلوغ بیش از آن که همراه با آگاهی از خویش باشد و درباره بدن خویشتن خویش بدانند، با مراقبت و کنترل همراه است؛ به‌گونه‌ای که جامعه و فرهنگ سازوکارهای فزیولوژی بدن را تحت شعاع خود قرار می‌دهند و منجر بیگانه‌گی زنان با بدن‌شان می‌شوند. به‌طور مثال، دختران نوجوان در این دوره با بدن در حال تغییر خویش بیگانه‌اند (به این معنا که نفرت دارند) و از آشنایی با خواسته و نیازهای بدن خویش و حتا رشد آن دور نگه داشته می‌شوند.

به دلیل فرهنگ غلط و ناآگاهی مردم، بیشتر زنان در دوره قاعده‌گی نه‌تنها احساس شرم‌ندگی کرده، آن را مخفی می‌کنند، حتا خود را «نجس» و «ناپاک» هم می‌دانند و با اصطلاحات غلط سبب تحقیر خود می‌شوند. به‌گونه مثال اسمی که بیشتر از دیگر نام‌های این سیکل ماهانه میان مردم ما رواج دارد، «مریضی ماهوار» است. اغلب زنان به قاعده‌گی «مریضی» می‌گویند و دوران پایان قاعده‌گی خود را «پاک شدن» می‌دانند، در حالی که این یک اصطلاح نادرست جاافتاده برای این دوره طبیعی است و باور به «پلیدی بودن زن» در دوران قاعده‌گی را می‌رساند. در افغانستان به‌سان دیگر نقاط جهان، قاعده‌گی یک تابوی اجتماعی است. نگاه به آن طوری است که انگار گناهی باشد. زنان پنهانی با آن کنار می‌آیند. حرف زدن درباره آن شرم و نام گرفتن از آن بی‌ادبی است. هیچ اطلاعاتی به دختران در این مورد داده نمی‌شود. در آموزش‌های دختران نوجوان هرگز سخنی از قاعده‌گی، هورمون‌های جنسی و نیازهای جنسی بدن در آن سن نوجوانی زده نشده است و بیشتر محتوا درگیر مراقبت و کنترل دختران است، طوری که بلوغ دختران سرآغاز پروسه کنترل شدید برای آن‌ها است. حرفی هم اگر از قاعده‌گی است، در کتب فقهی از زبان مردان گفته شده است. تعداد معدودی از دخترانی که توفیق خواندن کتب فقهی را یافته باشند و در صورتی که مدرس آن‌ها از شرم از سر فصل «حیض» و «نفاس» یا خاموشی نگذشته باشد، در این مورد معلومات ناچیزی به دست آورده‌اند؛ اما آن هم روشن و صریح در این مورد سخن زده است و بیش از آن که توجهش به بهداشت و چگونه‌گی مراقبت زنان باشد، متمرکز بر رفتار دینی زنان در آن حالت است. مثلاً آمده است که در این دوره، زنان کتاب مقدس را به دست نگیرند، نماز نخوانند و چون «ناپاک هستند» به مسجد نروند.

واقعاً در این دگرگونی فزیولوژیکی طبیعی چه دلیلی برای خجالت، پنهان‌کاری و شرم وجود دارد؟ به‌طور منطقی در بیان زمان و مسایل مشکلات مربوط به پیروید کوچک‌ترین بی‌حیایی و بی‌ادبی را نمی‌شود پیدا کرد. پس چرا این موضوع در کشور به این اندازه تابو بوده و هنوز هم است؟ شاید به نظر برسد که دلیل این شرمناکی عادت ماهانه یا قاعده‌گی، با اندام جنسی گره خورده باشد، ولی مساله تنها اندام جنسی نیست، چرا که اندام جنسی مردان این‌همه مایه خجالت نیست (به دشنام‌هایی که با افتخار مردان با ذکر اندام جنسی خویش می‌دهند و به مراسم ختنه یا سنت پسران توجه کنید).

این که زن بودن و آن چه مربوط به او است همواره تابو و پوشیده مانده، امری تازه نیست و تعجبی هم ندارد که از دین گرفته تا اسطوره و ادبیات یک‌سره فهم ناعادلانه از قاعده‌گی ارایه داده‌اند. در طول تاریخ رسوم، ادیان و تفکرات سخت‌ترین قانون‌ها را در هنگام قاعده‌گی بر زنان وضع کرده و شکنجه‌شان کرده است/می‌کند. به‌طور نمونه «دشتانیستان» به کلبه‌هایی گفته می‌شد که زنان به دور از غذا و آسایش زنده‌گی در هنگام قاعده‌گی در آن‌جا به سر می‌بردند. در حال حاضر نیز شکنجه‌ها به‌گونه متفاوت‌تر اما هنوز باقی است. عده‌ای غذایی را که با دستان زنی که در حالت قاعده‌گی به سر می‌برد پخته شده است، نمی‌خورند. زنان بسیاری به دلیل عادت ماهانه مورد تمسخر قرار می‌گیرند و در واقع شکنجه می‌شوند. در بیشتر موارد، وقتی زنی در حالت پیروید رنج جسمانی و روانی را تحمل می‌کند و از سوی اطرافیانش درک نمی‌شود، در واقع شکنجه شده است.

### قاعده‌گی و روند مخفیانه کنترل آن

تابو دانستن قاعده‌گی و نگاه منفی به چرخه طبیعی

خون‌ریزی ماهیانه در بدن زنان، سبب شده است که محصولات مرتبط به آن مانند «نوار بهداشتی» نیز تابو انگاشته شود. در نتیجه زنان چیزی در مورد بهداشت و استفاده از نوار بهداشتی مناسب در این زمان را نمی‌دانند. تعداد زیادی از زنان ناچارند از پارچه‌های غیربهداشتی استفاده کنند و در بهترین حالت، دسترسی به نوار بهداشتی برای زنان یک عملیات پولیسی و مخفیانه است. زنان خود برای خرید نوار بهداشتی به فروشگاه نمی‌روند، یا موقع خرید آن نوعی شرم و دلهره را تجربه می‌کنند. نوار بهداشتی هم در جای پنهانی در فروشگاه، مانند یک کالای ممنوعه گذاشته شده و از معرض دید عموم پنهان است.

### فقر و بهداشت در دوره قاعده‌گی

وضعیت بد اقتصادی در افغانستان، مردم را در معرض فقر و گرسنه‌گی شدید قرار داده است. این شرایط بر تمام ابعاد زنده‌گی مردم به‌شدت تاثیر گذاشته است، عدم دسترسی به بهداشت و خدمات صحتی نیز از جمله مواردی است که مردم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آن عده معدود زنانی که از لحاظ مالی در سطح بهتری قرار دارند، شاید در مورد بهداشت دوران قاعده‌گی مشکلی نداشته باشند؛ اما در مورد زنان فقیر مساله به این ساده‌گی نیست. دسترسی زنان به محصولات قاعده‌گی، یکی از مولفه‌های بهداشت زنان است. در افغانستان اما بیشتر زنانی که دور از شهر زنده‌گی می‌کنند، با نوار بهداشتی آشنایی ندارند. آن‌ها هنوز از لباس‌های کهنه و پارچه‌هایی که با هر بار مصرف، چندین مرتبه شسته می‌شوند، استفاده می‌کنند. واضح است که آلوده‌گی این پارچه‌ها با هر بار مصرف افزایش می‌یابد و استفاده از آن سبب بروز بیماری در زنان می‌شود.

اختراع نوار بهداشتی که گامی مهم در جهت تامین سلامت زنان محسوب می‌شود، در افغانستان اما میان همه زنان چندان آشنا نیست. جدا از این که در مناطق دور از شهر زنان با نوار بهداشتی آشنایی ندارند، فقر و گرسنه‌گی نیز آنان را در تهیه نوار بهداشتی با مشکل روبه‌رو ساخته است. بیشتر زنان به دلیل عدم توانایی در تامین هزینه نوار بهداشتی، از آن استفاده نمی‌کنند و یا هم مشکلات اقتصادی چنان روی‌شان آوار شده است که تهیه نوار بهداشتی جزو اولویت‌های خانواده نیست. در چنین شرایطی، زنان مجبورند با روش‌هایی که چندان بهداشتی نیست، خون قاعده‌گی خود را کنترل کنند.

مبهرن است که سخن گفتن از قاعده‌گی به‌عنوان یک فرآیند طبیعی، نباید تابو و شرم‌آمیز باشد. باید برای از میان برداشتن این تابو، در هر سطحی اقدام کرد. هرچند شکستن تابویی مثل قاعده‌گی که قدمت چندهزارساله دارد، به‌آسانی میسر نمی‌شود، اما هر گامی هر چند کوچک در زمینه آگاهی‌دهی و آفتابی کردن این سیکل طبیعی، مفید و موثر است. ناآگاهی از این فرآیند که نصف جامعه بشری آن را تجربه می‌کنند، درست نیست. اشاره به این نکته نیز مهم است که صحبت از قاعده‌گی و بهداشت دوره قاعده‌گی، تنها مساله فردی و مربوط به زنان نیست، بلکه این مساله با سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و مذهبی جامعه گره خورده است. در حال حاضر افغانستان تحت سلطه رژیم ضد زن است. مسایلی که جهت رفاه زنده‌گی زنان است، مورد توجه این رژیم نیست و توقع از آن‌ها هم درباره بهبود شرایط زنده‌گی زنان از ریشه اشتباه است. پس با این وضع، تنها راه چاره این است که رسانه‌های آزاد، خانواده‌ها و نهادهای دیگر آگاهی در زمینه قاعده‌گی و بهداشت قاعده‌گی را در اختیار همه‌گی قرار دهند تا زنان و مردان کنار هم و باهم زنده‌گی سالم‌تری داشته باشند.

خبرنگار ارشد:  
ویراستاران:  
صفحه آرایی:  
پذیرش مقالات:  
پذیرش اعلان:  
نشانی پستی:  
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Sanjar.sohail@8am.media  
Mohammad.moheq@8am.media  
Hasib.baheesh@8am.media  
یونس نگاه، علی سجاد مولایی  
فهمین امین  
نصیر کاوشگر

صاحب امتیاز:  
مدیرمسئول:  
سردبیر:  
تحلیل‌گران:  
دبیر گزارش‌ها:  
دبیر بخش ویدیو:



**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media  
**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media  
Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

امین کاوه  
محمدعلی نظری، مقیم مهران  
رضا مرادی  
Info@8am.media  
Shaparsepahr@gmail.com  
۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹

صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان



مقام‌های پاکستانی می‌گویند که در پی سقوط برف کوچ در شمال این کشور، دست کم ۱۱ تن جان باختند و ۱۳ تن دیگر زخمی شده‌اند. این رویداد روز شنبه، ۲۶ می، در منطقه کوهستانی گیلگیت پاکستان، نزدیک به مرز چین رخ داده است. برنیاد گزارش‌های نشر شده، قربانیان این رویداد کوچی‌ها هستند. زیارت علی، یکی از افسران ارشد پولیس پاکستان گفته است که چهار زن و یک پسر چهار ساله در میان جان‌باخته‌گان هستند. در همین حال، شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان پس از وقوع این حادثه در بیانیه‌ای گفته است: «این گونه حوادث در پاکستان به دلیل تأثیر تغییرات آب‌وهوایی در حال افزایش است.»

## حمله موشکی روسیه بر یک کلینیک در اوکراین دو تن کشته و ۳۰ زخمی برجا گذاشت



مقام‌های اوکراینی تایید کرده‌اند که در پی حمله موشکی نظامیان روسیه بر یک کلینیک در شرق این کشور، دست کم دو تن کشته شده و ۳۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. خبرگزاری رویترز گزارش داده که این حمله روز جمعه، ۲۶ می، در شهر دنیپر انجام شده است.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، حمله موشکی نظامیان روسیه بر ساختمان کلینیک صحنی را جنایت ضد بشری دانسته است. زلنسکی در صفحه توئیترش نوشته است: «فقط یک دولت شیطان می‌تواند با کلینیک‌ها مبارزه کند، هیچ هدف نظامی در این کار وجود ندارد، این ترور خالص روسیه است.»

در همین حال، سرهی لیساک، والی دنیپر،

گفته است که یک مرد ۶۹ ساله هنگام عبور از کلینیک کشته شده و جسد مرد دیگری نیز از زیر آوار بیرون آورده شده است. به گفته او، هنوز با سه نفر که گمان می‌رود حین برخورد موشک در داخل ساختمان بوده‌اند تماسی برقرار نشده است.

در همین حال، وزارت دفاع روسیه اعلام کرده است که یک ذخیره‌گاه مهمات مربوط به نظامیان اوکراین را در دنیپر هدف قرار داده است. از این حمله در حالی گزارش شده که روسیه نیز مدعی حمله موشکی و پهپادی اوکراین به جنوب این کشور شده است. مسکو گفته که توانسته این دو حمله کی‌یف را دفع کند.

## تیراندازی‌های مرگبار دهها هزار صربستانی را دوباره به جاده‌ها کشاند



دهها هزار نفر در صربستان در پیوند به دو تیراندازی دسته‌جمعی که منجر به کشته شدن ۱۸ نفر شد، یک‌بار دیگر به جاده‌های این کشور برآمده و راهپیمایی کردند. برنیاد گزارش رویترز، این راهپیمایی روز شنبه، ۲۷ می، در بلگراد، پایتخت صربستان برگزار شده بود.

## تیره‌گی روابط برلین و مسکو؛

### صدها کارمند آلمانی روسیه را ترک می‌کنند

مقام‌های آلمان تایید کرده‌اند که صدها شهروند این کشور که در بخش‌های آموزشی و فرهنگی در روسیه کار می‌کردند، پس از درخواست مسکو، این کشور را ترک می‌کنند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک مقام دولت



آلمان، روز شنبه، ۲۷ می، گزارش داده که روسیه، آلمان را مجبور به این کرده است. وزارت امور خارجه آلمان در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «این یک تصمیم یک‌جانبه، غیرقابل توجیه و غیرقابل درک است.» این وزارت آمار دقیق از تعداد شهروندان آلمانی که قرار است روسیه را ترک کنند، ارایه نکرده است.

پس از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین، آلمان شماری از دیپلمات‌های روس را به‌هدف کاهش حضور سرویس‌های اطلاعاتی روسیه، از این کشور اخراج کرد. به‌دنبال آن روسیه نیز در واکنش، حدود ۲۰ کارمند سفارت آلمان را از خاکش بیرون راند.

به همین ترتیب، در بهار ۲۰۲۲، آلمان حدود ۴۰ دیپلمات روس را که فکر می‌کرد تهدیدی برای امنیت این کشور هستند، نیز اخراج کرد.

از صفحه ۵

## روز جهانیه پریود...

### عوامل شرم‌پنداری پریود و مشکلات روانی ناشی از ناآگاهی در مورد آن

در این دگرگونی فزیولوژیک چه دلیلی برای خجالت، پنهان کاری و شرم وجود دارد؟ به‌طور منطقی در بیان زمان و مسایل مشکلات مربوط به پریود، کوچک‌ترین بی‌حیایی و بی‌ادبی را نمی‌شود پیدا کرد. پس چرا این موضوع در افغانستان به این اندازه تابو بوده و هنوز هم است؟ جامعه‌شناسان به این باورند که عوامل اجتماعی بسیاری از جمله کودهای فرهنگی و دینی در این امر دخیل است. به نظر آن‌ها، نگاه جامعه به زن به‌مثابه موجود «اندرونی» که همیشه باید پوشیده بماند و همان‌طوری که خودنشانگری زن و بدن او تابو است، سبب شده تا مسایل مربوط به بدن زنان نیز تابو انگاشته شود.

ابومسلم خراسانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر دانشگاه لایپزیک آلمان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که گفتمان حاکم در فضای افغانستان طوری است که مسایل مربوط به زنان و حتا خود زنان در هاله‌ای از ابهام و رازآمیزی پنهان باشد و کسی نمی‌تواند در مورد آن حرف بزند. آقای خراسانی تابوانگاری قاعده‌گی/ پریود را ناشی از عوامل اجتماعی چون ارزش‌های فرهنگی و باورهای مذهبی می‌داند و می‌گوید که همین عوامل مانع حرف زدن در مورد مسایل مربوط به زنان شده است. این جامعه‌شناس می‌افزاید: «ما در جامعه مذهبی و به‌شدت سنتی زنده‌گی می‌کنیم. سنت زنده‌گی و مولفه مذهب تا حد ممکن تلاش می‌کند تا زن به‌عنوان یک موجود افسانه‌ای، رازآمیز و چیزی که انسان را به گناه، آلودگی و انحراف سوق می‌دهد، تعریف شود. از این خاطر مسایل زنانه و خود زن را در هاله‌ای از پوشیده‌گی، قداست و تابوواره‌گی پنهان می‌کند.» از دید او، جامعه سبب می‌شود که زن خودش را پنهان کند و پیرامون بدنش صحبت نکند. زن در جامعه ما طوری تقدیس و تعریف شده است که باید در ابهام باقی بماند. این نگاه باعث شده که قاعده‌گی به‌عنوان چیزی که باید پنهان شود، دیده شود.

ابومسلم خراسانی بیشتر توضیح می‌دهد: «باورهای مذهبی و کودهای اجتماعی هر چه در توان دارند، برای در انحصار کشیدن زن، استفاده می‌کنند تا قداست، شرم‌انگاری و تابوپرداری با پنهان کاری حفظ شود. حفظ این موارد به نفع کودهای مذهبی است که بخش بزرگی از کودهای اجتماعی ما مذهبی بوده و یا متأثر از مذهب است.»

شرم پنداشتن قاعده‌گی و عدم توجه به آن، ناشی از هر عاملی باشد، نمی‌توان کتمان و انکارش کرد. زنان و مردان به جای طفره رفتن از صحبت درباره بلوغ جنسی و قاعده‌گی، باید فضایی را ایجاد کنند که در خصوص این مسایل صحبت شود. آگاهی دختران در مورد قاعده‌گی و تغییرات بدن زنان در زمان بلوغ، با توجه به این که دختران در این سنین وارد مرحله حساسی از نظر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی می‌شوند، اهمیت فراوانی دارد.

ناآگاهی و یا آگاهی نادرست می‌تواند منجر به آسیب روانی شود. روان‌شناسان به این باورند که اگر مرحله بلوغ دختران به‌خوبی سپری نشود، می‌تواند تأثیرات منفی روی تمام دوره‌های زنده‌گی برجا بگذارد.

مدینه قاطع مصدق، روان‌شناس، در صحبت با روزنامه ۸صبح در این مورد می‌گوید که خانواده‌ها در افغانستان اکثرا تعریف درستی از پریود ندارند و آن را ننگ حساب می‌کنند. به گفته او، خانواده‌ها دوران بلوغ را به دید یک مرحله طبیعی نمی‌بینند که واکنش طبیعی در قیال داشته باشد. او اضافه می‌کند: «یکی از عواقب عدم آگاهی از پریود، ترس است. ترس بعضی از هورمون‌ها در بدن گاهی در فرد سبب افسرده‌گی می‌شود، اما در بسیاری مواقع می‌بینیم که اولین تجربه پریود چنان برای دختران ترسناک بوده که تا مدت‌ها به ذهن او می‌ماند و باعث افسرده‌گی و گوشه‌گیری دختران می‌شود.»

این روان‌شناس می‌افزاید که سرکوب دختران در هنگام پریود، تأثیر منفی به روان دختران می‌گذارد؛ حرف‌هایی چون «به کسی نگو، مردها نفهمند» به دل دختران تا آخر ترس از آشکار شدن پریود را می‌اندازد. خانم مصدق همچنان می‌گوید که در این زمینه خانواده‌ها باید آگاهی حاصل کنند تا در هنگام بلوغ دختران شان از آن‌ها به‌گونه خوب مراقبت شود. او به خانواده‌ها توصیه می‌کند: «اولین تجربه پریود دختران ثبت شود. برایش تبریک داده شود و علامت صحت و علامت نورمال بودن دختر را برایش تبریک بدهند.»

مراقبت و بهداشت در زمان پریود سلامتی زنان را تضمین می‌کند. در زمینه بهداشت در زمان قاعده‌گی دکتر حساب‌الله شکران به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «تامپون و نوار بهداشتی به دلیل صحنی بودن، اکیدا پیشنهاد می‌شود. باید توجه کرد که حداکثر هر سه ساعت بعد باید نوار بهداشتی را عوض کرد. روزانه حداقل یک بار باید حمام کرد و واژن را با آب گرم شست‌وشو داد و سعی شود خشک و تمیز نگه‌داری شود.» این پزشک اضافه می‌کند که در هنگام پریود زنان کوشش کنند خوراکی مناسب داشته باشند و از غذاهایی که خون‌افزا است، در این زمان استفاده کنند و ورزش سنگین خودداری کنند.

پریود یا قاعده‌گی تجربه مشترک بسیاری از زنان است. شرم‌پنداری آن سبب می‌شود که سلامت زنان و جامعه به خطر بیفتد. امروز ۲۸ می، روز جهانی بهداشت قاعده‌گی است؛ بهانه‌ای برای یادآوری از اهمیت مراقبت از بهداشت و سلامت زنان در این دوران و بلند بردن آگاهی مردم از پریود و از بین بردن باورهای نادرست در مورد آن. افغانستان اما نه‌تنها از ناحیه ناآگاهی درباره پریود رنج می‌برد، بلکه به دلیل فقر اقتصادی زنان توان مراقبت درست و خرید نوار بهداشتی را نیز ندارند. از سوی دیگر، امروزه در افغانستان نه دولتی مستقر است که به رفاه شهروندانش بیندیشد و نه سازمانی که به شکلی دنبال آگاهی‌دهی به مردم در این زمینه باشد.